



## راهبردهای منابیی و ماندگاری انقلاب اسلامی

سیروس حاجی زاده<sup>۱</sup>

### مقدمه

هر نظام سیاسی در گستره و پهنه جهانی دارای ساخت‌های متفاوتی است. از جمله ساخت حقیقی و حقوقی، که در تمامی نظام‌های سیاسی دنیا، موضوعیت و معنا دارند. نکته حائز توجه این که ساخت حقیقی یک نظام، به عنوان تولیدکننده رهیافت‌ها و مفاهیم، رویکردها، ارزش‌ها، هنجارها و جهت‌گیری‌های آن نظام، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد ساخت حقوقی دارد. از این جهت است که تفاوت ساخت‌های حقوقی کشورها ناشی از تفاوت در ساخت حقیقی آنهاست و از این منظر، می‌توان گفت ساخت حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر ولایت فقیه است، قابلیت شبیه‌سازی و تطابق با ساخت حقوقی دولت‌های لیبرال دموکرات و توتالیتر را ندارد.

عملکرد نظام‌های سیاسی در حراست از این ساخت‌ها یکسان نیست. از آنجا که بقای یک نظام سیاسی به ساخت هویتی و حقیقی آن بستگی دارد، به همین علت نسبت به تغییر آن ساخت، تعصب خاصی نشان داده می‌شود؛ در حالی که پذیرش تغییرات در

۱. کاندیدای دکتری مطالعات بین‌الملل (مطالعات منطقه‌ای) دانشگاه جامع امام حسین (ع)

ساخت حقوقی، در عین اهمیت آن، از انعطاف برخوردار است. در تمام کشورها به قوانین مرتبط با ساخت حقیقی، اجازه تغییر به صورت مطلق داده نشده است، به طوری که تنها وقوع انقلاب می‌تواند آن را تغییر دهد؛ چراکه آن ساخت، هویت و ماهیت نظام سیاسی را نشان می‌دهد و تغییر آن، به معنای تغییر نظام سیاسی و انقلاب است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز جمهوریت و اسلامیت، جزء اصول و هویت نظام سیاسی است که قانون‌گذار اجازه تغییر و اصلاح آن را به کارگزاران نظام سیاسی نداده است. در جهان امروز، تأکید و تکیه صرف بر قدرت سخت، پایداری را در پی نخواهد داشت. بر این اساس، قوی‌ترین کشورها همواره قوی‌ترین باقی نخواهند ماند، مگر اینکه به ساخت حقیقی قدرت، که همان جنبه نرم‌افزاری قدرت است، اهمیت دهند. از این رو، امروزه تهدیدات از جنبه نظامی‌گری به سمت تهدیدات نرم پرخش کرده است که هدف آن سازه‌ها و کارگزاران نظام نیست، بلکه عناصر غیر مادی قدرت همچون هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها و ایدئولوژی‌ها می‌باشد، به همین خاطر، مهم‌ترین عناصر در کالبدشکافی تهدید، «تهدیدشونده‌ها» هستند.

از منظر نرم‌افزاری، مهم‌ترین شاخص برای تحلیل تهدید در این سطح، «موضوع تهدید» است. موضوع تهدید از حیث ماهیت شامل موضوعات هنجاری (هویت و ساخت حقیقی) و موضوعات کاربردی (جنبه‌ای عینی که ناظر بر کارآمدی نظام سیاسی و ساخت حقوقی) است. در شرایط فعلی موضوعات هنجاری و هویتی محور اصلی تهدیدات نرم به شمار می‌روند<sup>۱</sup> که در پایداری و زوال نظام‌های هنجارمحور نقش بنیادین دارند. انقلاب اسلامی بر خلاف تمامی انقلاب‌های بزرگ دنیا یک انقلاب «فرهنگ پایه» و «هنجار بنیاد» است که بر اصول اخلاقی و دین مبتنی است. در نظام‌های برآمده از انقلاب‌های روسیه، فرانسه و چین که در شرایط فشار و بحران حوزه اجتماعی برای تسکین محنت‌های سیاسی و اقتصادی، به وجود آمده‌اند، آزادی تام در حوزه اجتماعی را نهادینه کرده‌اند، اگر در یک انقلاب هویت پایه مانند انقلاب اسلامی نیز بینش‌های معرفتی و عملکردی سایر نظام‌های سیاسی با مختصات و ویژگی‌های آنان اعمال شود مفهومی جزء فروپاشی نخواهد داشت. چون دوام و قوام انقلاب هنجاربنیاد ایران بر هویت ارزشی و اجتماعی رقم می‌خورد که در این نوشته از آن به عنوان ساخت حقیقی یا شاخص‌های هویتی یاد شده است.

۱. اصغر افتخاری، تهدید نرم؛ رویکردی/اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۱، ص ۴۱-۴۰.

## عوامل مانایی و پویایی انقلاب اسلامی

### ۱. مردم‌سالاری دینی

واژه «مردم‌سالاری دینی» اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست که - بر خلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی هستند از یک مفهوم غربی به علاوه یک قید اسلامی - در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی روئیده و بر

استکبارستیزی یک قاعده مشترک و بنیادین میان هویت دینی و ملی ایرانیان است و منابع چهارگانه قرآن، سنت، عقل و عرف نسبت به مقاومت در مقابل استکبار و نفی آن اجماع دارند و بر آثار تهدیدی آن برای مصالح دین و بلاد و ملل اسلامی حساس هستند

آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمییز دهد. برای این منظور در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است.

امام خمینی (ره) در این الگوی مردم‌سالاری، از یک سو با تکیه بر فقه سنتی که میراث گرانبهای شیعه است و از سوی دیگر با الگوگیری از حاکمیت نبوی و علوی تجربه‌ای جدید فراروی جهانیان قرار داد. در همین امتداد، امام حکومت‌های مدعی مردم‌سالاری که تحت عنوان فریبنده دموکراسی ظهور پیدا کرده‌اند را شبیه حکومت‌های دیکتاتوری می‌دانند و معتقدند اکثر آنها دست به فریب دادن مردم زده‌اند. ایشان در کشف/سرار می‌فرماید:

هیچ فرق اساسی میان مشروطه، استبداد و دیکتاتوری و دموکراسی نیست مگر در فریبندگی الفاظ و حيله‌گری قانون‌گذاری‌ها، آرای شهوت‌ران‌ها و استفاده‌چی‌ها فرق می‌کند.<sup>۱</sup>  
مقام معظم رهبری نیز بارها در دیدار با مسئولان کشور تأکید کرده‌اند:

بهترین چیزی که ممکن است امروز ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان (یعنی مسئولان کشور) ملاک قرار دهیم مردم‌سالاری دینی به عنوان یک روش حکومتی است.<sup>۲</sup>

ایشان از این روش حکومتی به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند و در توضیح آن می‌فرمایند:

۱. امام خمینی، کشف/سرار، ص ۲۳۱-۲۳۰ و ۳۶۹-۳۶۵.

۲. سید علی فیاضی، «مردم‌سالاری دینی»، کتاب نقد، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۴۳. و بیانات مقام معظم رهبری، کیهان، ۱۳۷۹/۸/۲۹.



این مردم‌سالاری [دینی] به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که مادموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است. مردم‌سالاری هم دو جنبه دارد، یک جنبه آن عبارت است از تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند؛ دولت را انتخاب می‌کنند و... این همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و البته این ادعا واقعیت ندارد، این حرف متکی به نظرات و حرف‌ها و دقت‌ها و مثال آوردن‌های خود برجستگان ادبیات غربی است.

جنبه دیگر مردم‌سالاری [دینی] این است که «حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم...»<sup>۱</sup> در جای دیگر می‌فرماید:

مردم‌سالاری دینی... یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود، ضمن آنکه تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست...<sup>۲</sup>

به طور خلاصه در تبیین مفهوم مردم‌سالاری دینی می‌توان چنین بیان نمود: مردم‌سالاری دینی ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده و حاکم در چهار چوب مقررات الهی، حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می‌کند،<sup>۳</sup> این مدل بر دو پایه استوار است: ۱. از سویی ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد.<sup>۴</sup> این آموزه‌ها را از رهگذر خواست و اراده مردم دنبال می‌کند. لذا در نظام مردم‌سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می‌کند.

۱. دیدار مقام معظم رهبری با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. دیدار مقام معظم رهبری با اعضای شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، ۱۳۷۹/۱۰/۱۳.

۳. «تبیین نظریه مردم‌سالاری دینی در قیاس با دموکراسی غربی»، محمدجواد نوروزی، چکیده مقالات همایش مردم‌سالاری دینی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۶۹.

### اصول مردم‌سالاری دینی

۱	فضیلت محوری	۶	آرمان‌گرایی <sup>۱</sup>
۲	هدایت محوری	۷	تکلیف محوری
۳	حاکمیت الهی	۸	شایسته‌سالاری
۴	ایمان دینی	۹	قانون محوری
۵	انتخاب مردمی	۱۰	رضایت‌مندی

بدون تردید مهم‌ترین عاملی که پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد، حضور فراگیر و گسترده مردمی بود که با آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی، حیاتی گرم و تحرک به این نهضت در سراسر کشور بخشید.<sup>۲</sup> در واقع روح نظام اسلامی مترادف با حضور مردم در همه امور است؛ در این صورت استقلال، عزت و ماندگاری نظام تأمین خواهد شد و با حضور واقعی مردم دفاع از نظام و مرزهای کشور در مقابل دشمنان نیز امکان‌پذیر خواهد بود.<sup>۳</sup> مهم‌ترین آثار استنباطی از اندیشه‌های رهبری و امام در خصوص حضور حداکثری مردم در حفظ نظام اسلامی را می‌توان در محورهای زیر مشاهده کرد:

شاخص	نتیجه یا آثار کار
کارآمدی	حضور حداکثری و تأثیر آن در کارآمدی نظام
اقتدار ملی	حضور حداکثری و افزایش قدرت و اقتدار ملی
بازدارندگی	حضور حداکثری و دلسردی و عقب‌نشینی دشمنان از مواضع خصمانه و خنثی شدن توطئه‌ها
افزایش امنیت ملی	حضور حداکثری بالا بردن امنیت ملی

۱. محسن مهاجرنیا، «مسائل فلسفه سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری»، حصون، زمستان ۱۳۸۵، ش ۱۰، ص ۷۹-۴۲ و سید خدایار مرتضوی، «مردم‌سالاری دینی ایران و لیبرال دموکراسی غرب»، راهبرد، تابستان ۱۳۸۲، ش ۲۸، مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۲۰۰.

۲. همشهری، ۱۳۷۵/۲/۸ و سایت: <http://ladiez.ir/vdca.enek49n6u5k14.html>

۳. //کامل فی‌التاریخ، ج ۳، ص ۹۳ (کتابی تاریخی درباره سرگذشت آدمی و رویدادهای تاریخی سده ۷ق، که نوشته عزالدین بن اثیر است.) به نقل از «جمهوریت و ولایت فقیه در تئوری انقلاب آتی» محمدرضا موثق، روز، ش ۲، زمستان ۱۳۸۰.





حل مطالبات واقعی	حضور حداکثری تحقق مطالبات واقعی مردم
خنثی‌کنندگی	حضور حداکثری و رفع تهدیدات فراروی نظام
افزایش مشروعیت	حضور حداکثری و رفع شبهات در خصوص مشروعیت نظام
حل معضلات	حضور حداکثری و حل معضلات و مشکلات فرهنگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور
حفظ اصول	حضور حداکثری زمینه حفظ اصول و ارزش‌های نظام مقدس اسلامی
تحقق دین‌باوری	تحقق هویت و روح دین‌باوری در نظام اسلامی با حضور مردم
استمرار راه	غیرممکن بودن ادامه راه این نظام و حفظ آن بدون حضور مردم
تثبیت و دوام نظام	تثبیت و دوام نظام با حضور مردم در تمامی صحنه‌های انقلاب
تامین عزت و استقلال	تأمین عزت و استقلال سیاسی و بقاء ماندگاری نظام با حضور مردم
ثبات نظام اسلامی	وحدت و ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران با حضور مردم در همه صحنه‌ها
حفظ تمامیت ارضی	دفاع از کشور و ارزش‌های نظام و مقابله با دشمنان و دفاع از تمامیت ارضی کشور با حضور مردم

در مجموع مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چهار چوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند. پس، مردم‌سالاری دینی اولاً؛ از سویی ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد، ثانیاً؛ این آموزه‌ها را از رهگذر خواست و اراده مردم دنبال می‌کند. بر این اساس، تفاوت‌ها و شباهت‌های هر دو دیدگاه تقریباً چنین می‌شود:

اشتراکات	افتراکات
۱. ذی‌حق دانستن مردم و حرمت نهادن به ملت	۱. در مردم‌سالاری سکولاریستی، حاکمیت ملی به طور مطلق پذیرفته می‌شود؛ ولی در مردم‌سالاری دینی با پذیرش حاکمیت مطلق خداوند، حاکمیت ملی نسبی خواهد بود.

۲. زمین‌سازی برای مشارکت مردمی در تمام مراحل تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی	۲. مردم‌سالاری سکولار، رأی اکثریت را به صورت مطلق ملاک عمل قرار می‌دهد؛ اما در مردم‌سالاری دینی در بعد قانون‌گذاری، رأی اکثریت در چهار چوب شریعت پذیرفته می‌شود.
۳. عین انتخابات، به عنوان طریق قانونی اعمال مردم‌سالاری	۳. در مردم‌سالاری سکولار، حاکمیت اولاً و بالذات از آن مردم است، ولی در مردم‌سالاری دینی، حاکمیت اولاً و بالذات از آن خداست و حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند است و نه در عرض آن.
۴. الزام به رأی اکثریت در امور اجرایی	۴. در مردم‌سالاری سکولار، دین صرفاً امری شخصی و مربوط به حوزه فردی است؛ اما در مردم‌سالاری دینی، دین، حوزه فردی و اجتماعی مردم را در بر می‌گیرد.
۵. احترام به آزادی‌های فردی و جمعی	۵. مردم‌سالاری سکولاریستی با مردم‌سالاری دینی در ارایه تعریف از بشر و حقوق آن در پاره‌ای از موارد دیگر با هم اختلاف دارند. <sup>۱</sup>
۶. توسعه همه‌جانبه و رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها در پرتو تضارب آرا و تعامل افکار	

## ۲. وحدت ملی

وحدت و انسجام ملی و اسلامی از مقوله‌هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب اهل‌بیت (ع) بوده و تا گسترش واقعی اسلام بر تمام عالم ادامه پیدا خواهد کرد. مصلحان و عالمان زیادی اعم از شیعه و سنی به مقوله وحدت اسلامی توجه داشته‌اند که از جمله این بزرگان می‌توان به افرادی چون شیخ محمد عبده، سید جمال الدین

۱. حسین جوان آراسته، مبنای حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳، ص ۱۷ و سایت وزارت جهاد و کشاورزی (سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی)، حوزه نمایندگی ولی فقیه - شورای فرهنگی، «انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت اجتماعی، عدالت و پیشرفت»، کد خبر: ۷۰۰۹۰/۱۱/۱۳۹۵/۱۳۹۵.



اجرای قانون اساسی به تمام و کمال و با قاطعیت، از جمله مواردی است که علاوه بر حفظ وحدت ملی و حفظ مردم در صحنه، می تواند مانند گاری انقلاب اسلامی را با الگویی به عدالت و ضابطه مندی امور تضمین و راه نفوذ را سد کند

اسدآبادی، آیت الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و... اشاره نمود. بدیهی است وحدت ملی نیز رکن و رمز پیروزی انقلاب اسلامی و ضامن حفظ دستاوردهای آن است. به تعبیر امام و رهبری «اگر ما در داخل متحد و منسجم باشیم، دشمن خارجی هیچ تأثیر سوئی نمی تواند بگذارد.»<sup>۱</sup> «وحدت کلمه، بر اساس اصول اساسی نظام اسلامی، بینات قانون اساسی، اسلام، راه امام، منطبق با منافع مردم، و ظلم ستیزی، یکی از مؤلفه های ضروری است که زمینه امنیت و پیشبرد اهداف در سطوح راهبردی و غیر راهبردی را فراهم می کند و باعث عقب نشینی قدرت های سلطه گر می گردد»<sup>۲</sup>؛ «مسلمانان اگر وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع... دست بکشند، در سایه پرچم «لا اله الا الله» از تجاوز دشمنان اسلام و جهانخواران مصون خواهند شد و دست شرق و غرب را از بلاد عزیز مسلمین قطع خواهند کرد؛ زیرا هم عده اینها فزون تر و هم ذخایرشان بی پایان است و از همه بالاتر، قدرت غیر متناهی خداوند پشتیبان آنان است.»<sup>۳</sup> در سایه وحدت است که موتور حرکت انسان در رخدادها و پیشامدهای مهم،<sup>۴</sup> پیشرفت های بنیادین،<sup>۵</sup> تسهیل در حل مشکلات جهان اسلام،<sup>۶</sup> بازدارندگی در مقابل دشمن،<sup>۷</sup> استقلال و خودکفایی،<sup>۸</sup> گریز از ذلت و خواری،<sup>۹</sup> دستیابی به عزت و اقتدار کامل و عمل به احکام اسلامی<sup>۱۰</sup> به عنوان مؤلفه های مقوم نظام اسلامی، بقاء نظام نیز در سایه امنیت و ثبات و رفاه محقق می گردد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱.

۲. «آرمان وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی»، حضور، زمستان ۱۳۷۹، ش ۳۴ و صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۲۳.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۸۷.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴. همان.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱/۰۳/۱۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۳۳.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۱۲/۲۵.

۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در هم اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵.



شاخص	آثار وحدت
وحدت	آثار درونی
کلمه توحید	انگیزه الهی داشتن و مقصد عالی را حکومت اسلامی دانستن
وحدت کلمه	یک پارچگی و اجتماع پرشور مردم و حضور در صحنه‌های گوناگون
حفظ نظام	اگر با هم نباشید شکست می‌خورید اگر شکست بخورید اسلام شکست می‌خورد. <sup>۱</sup>
برادری تکلیفی	تکلیف است برای همه ما که این جمهوری که به اینجا رسیده است تا آخر حفظ کنیم تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را... حفظ کنید این برادری را با حفظ برادری شما به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید. <sup>۲</sup> اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. <sup>۳</sup>
جامعه ایمانی	۱. اعتصام به حبل الهی و خدایی بودن مینا و ملاک وحدت ۲. وجود الفت بین دل‌ها و قلوب اعضای جامعه ۳. انسجام و هم‌گرایی مردم در راه مشترک با هدف مشترک.
سازندگی و توسعه	ما و همه ملت دست به دست هم بدهند و این خرابی‌ها را بسازند. دست به دست هم بدهید و مشکلات را رفع کنید. <sup>۴</sup>
وحدت	آثار بیرونی
دشمن شناسی دشمن‌ستیزی	هیچ قدرتی نمی‌تواند بر یک ملتی که همراه هم هستند و با هم هستند هیچ قدرتی نمی‌تواند با او مقابله کند. <sup>۵</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۶۹.  
 ۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۶.  
 ۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۸.  
 ۴. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۳.  
 ۵. همان، ج ۲۰، ص ۵۶.



وحدت ملی	رفع ستم دشمنان	من خوشبختم که جمهوری اسلامی بعضی فرصت‌ها را به ما و ملت ما نصیب می‌کند و از آن فرصت‌ها، ملاقات با قشرهای مختلف و مذاهب مختلف و دین‌های مختلف است و ما همه در تحت لوای مجتمع هستیم، ایران مال همه است و توحید مذهب همه است، مبدأ و معاد ایده همه است و ما این مشترکات را داریم، ملت واحد هستیم و لازم است که در مسائل ایران همه در صحنه باشیم.
	سد نفوذ	کارکرد وحدت کلمه بین مردم همبستگی برای مقابله با دشمنان و شکست ابرقدرت‌ها است. «هیچ قدرتی نمی‌تواند بر یک ملتی که همراه هم هستند و با هم هستند، هیچ قدرتی نمی‌تواند با او مقابله کند.» <sup>۱</sup>
	حفظ مبانی دینی	نوعاً قدرت‌های ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوق‌های تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائشان، مقاصد شوم خود را اجرا می‌کنند. در صورتی که اگر ملت‌ها با هشباری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهند شد.
	حفظ مصالح عمومی	اختلاف و تفرقه مضرترین سهم مهلک برای ملت ما و تمدن‌ها و انقلاب‌ها است. اگر بهترین ملت‌ها دچار اختلاف و دو دستگی شوند همه نیروی حیاتی خودشان نه تنها از بین می‌رود بلکه در جهت ویرانی کشور به کار می‌افتد. <sup>۲</sup>
	حفظ روحیه مقاومت	شرط اینکه ما بتوانیم مقاومت کنیم بتوانیم حفظ کنیم این کشور را شما بخواهید حفظ بکنید حیثیت ملی خودتان را حیثیت اسلامی خودتان را شرطش این است که با هم باشید. <sup>۳</sup>

وحدت یک جامعه در وفاق، انسجام ملی و هم‌گرایی ملی در سطوح سه‌گانه مردم، نخبگان و مدیران و مراجع تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در شرایط صلح و جنگ، نقش کلیدی و راهبردی دارد. وجود وحدت، اسباب اعتماد به نفس عمومی امنیت و آرامش کلان در کشور را رقم می‌زند و عاملی مقوم در تکامل و تعالی مادی و معنوی جامعه محسوب می‌شود.

۱. همان، ج ۱۷، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۷۶.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۰.

### ۳. نفی سلطه پذیری

در نظام ارزش محور و دین بنیاد ایران اسلامی، حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم از قواعد مسلم دینی است. بر اساس قاعده نفی سبیل هر گونه سلطه کفر بر جامعه مؤمن نفی شده است.<sup>۱</sup> نظام استکبار به دلیل ابتنا بر مؤلفه‌های غیر دینی از ماهیتی اومانستی پیروی می‌کند که با نظام اسلامی مبتنی بر دین و آموزه‌های الهی که مقاصد الهی و معنوی را دال مرکزی خود در مدیریت جامعه بشری قرار داده است و سعادت و تکامل انسانی، ارزشی و اخلاقی را در ردیف اهداف راهبردی خود تعریف کرده است، تفاوت ماهوی دارد. انفعال: مرعوب بودن و مبدل به اقمار قدرت استکبار شدن برای نظام اسلامی به مفهوم دور شدن نظام اسلامی از اصول و مبانی دینی در حوزه قدرت، سیاست و حاکمیت و عدول از اصول: یعنی بروز خلل در زیرساخت‌های بقا و پایداری نظام، از این جهت بقاء بر اصل استکبارستیزی یکی از مؤلفه‌ها و مقوله‌های مهم و کلیدی در ماندگاری انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

مسئله استکبارستیزی دال مرکزی ساخت حقیقی در حوزه روابط بین الملل را تشکیل می‌دهد و در ساحت بقاء و زوال نظام اسلامی باید به آن دقت داشت. این مسئله برآمده از بنیادهای اندیشه امام، قانون اساسی و اسناد بالادستی است و در مقام رتبه‌بندی در جایگاه سیاست‌های راهبردی تعریف شده است.

«به همین دلیل، نظام اسلامی به دنبال سلطه یافتن بر دیگر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زور گویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد.<sup>۲</sup> در عین حال «خواهان روابط بر مبنای احترام متقابل» است و هیچ‌گونه تحمیلی را نمی‌پذیرد. بر همین مبنا نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم.<sup>۳</sup> این رفتار از یک منطق مشخص بر خوردار است که علاوه بر آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهی از یک مبنای عقلانیت نیز پیروی می‌کند.

حفظ استقلال، نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری از اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است،<sup>۴</sup> هر گونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود، ممنوع اعلام شده است.<sup>۵</sup> جلوگیری از سلطه بیگانگان بر اقتصاد کشور<sup>۶</sup> وظیفه اصلی مسئولین

۱. قرآن کریم، نساء/ ۱۴۱، ولن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلا.

۲. علی دادستان بیرکی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۲۲-۱۹.

۳. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۳۸.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲.

۵. همان، اصل ۱۵۳.

۶. همان، اصل ۴۳ الف بند ۸.





است که ضرورت حفظ استقلال و عزت مسلمانان در روابط خارجی دولت اسلامی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی یک امر ضروری و حیاتی تلقی می‌شود. نتیجه اینکه استکبارستیزی یک قاعده مشترک و بنیادین میان هویت دینی و ملی ایرانیان است و منابع چهارگانه قرآن، سنت، عقل و عرف نسبت به مقاومت در مقابل استکبار و نفی آن اجماع دارند و بر آثار تهدیدی آن برای مصالح دین و بلاد و ملل اسلامی حساس هستند. منابع چهارگانه پذیرش استکبار و سلطه آن را مخرب و پراسیب می‌دانند و نفی آن را مایه عزت و استقلال و تحقق مبانی دین برمی‌شمارند.

منابع	نفی استکبار
قرآن	استکبار در اصطلاح اسلامی، گناهی مترادف با شرک است و منشأ ظلم، فساد و طغیان در برابر خدا و خلق خدا است و از آن با عناوین: طغیان‌گری، <sup>۱</sup> تبهکاری، <sup>۲</sup> موجد استضعاف، <sup>۳</sup> استحقاق مجازات، <sup>۴</sup> یاد می‌کند. که نتیجه آن پامال شدن حق مردم ضعفا و محتاج کردن آنها است (وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ (ص) وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ) <sup>۵</sup> ایجاد تفرق در بین ملت‌ها، استثمار منافع آنها می‌باشد. در منطق قرآن پذیرش سرپرستی و دوستی <sup>۷</sup> با کافران و روابط نامتعادل و مستکبرانه <sup>۸</sup> مشمول قاعده نفی سبیل می‌شود. <sup>۹</sup>
فقها	فقها، فقه و حقوق بین‌الملل اسلامی نیز در ابعاد فردی و اجتماعی و تا سطح بین‌المللی <sup>۱۰</sup> تسلط کافران بر مسلمین را نفی کرده است. <sup>۱۱</sup> برای کافر، ولایتی ثابت نیست. <sup>۱۲</sup>

۱. قرآن کریم، فرقان / ۲۱.

۲. همان، یونس / ۷۵.

۳. همان، قصص / ۴.

۴. همان، اعراف / ۴۸.

۵. همان، عنکبوت / ۳۹؛ (و قارون و فرعون و هامان را هم که موسی (علیه السلام) با معجزات روشن به هدایت آنها آمد (و به او نگر و بندند و) باز در زمین تکبر و ظلم و طغیان کردند (همه را هلاک کردیم) و (بر قهر حق) سبقت نرفتند (و راه نجاتی نیافتند).

۶. همان، قصص / ۴.

۷. همان، نساء / ۱۴۱ (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا).

۸. همان، آل عمران / ۲۸.

۹. همان، ممتحنه / ۱.

۱۰. محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۵۱ و ۵۵.

۱۱. ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، نور، ۱۳۹۴، ص ۳۲۷-۳۲۶.

۱۲. سید ابوالقاسم خوبی، کتاب التکاح، قم، دارالهادی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۱؛ شمس‌الدین السرخسی، المیسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۱۱۲۸؛ عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی، المعنی، بیروت، عالم‌الکتاب، بی تا، ص ۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۹۳.

عقل	<p>بر اساس قاعده: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل.<sup>۱</sup> «عزت از آن خدا و پیامبر او و مؤمنان است.»<sup>۲</sup> از این رو، امکان ندارد شارع، احکامی را تشریح کند که سبب ذلت و پستی مسلمانان باشد و یا دولت اسلامی پیمان و تعهدی را که برخلاف عزت و استقلال مسلمانان است، منعقد کند.<sup>۳</sup></p>
سیره و سنت	<p>فقه‌های شیعه و سنی در ادوار مختلف تاریخی از اصل نفی سبیل در ستیز با استکبار و نفی سلطه قدرت‌های مستکبر بهره گرفته‌اند،<sup>۴</sup> به تعبیر حضرت امام (ره) «لو کانت الروابط السياسه بين الدول الاسلاميه و الاجناب موجهه لاستیلاهم علی بلادهم او نفوسهم او اموالهم او موجهه لاسرهم السياسی یحرم علی روسا الدول تلك الروابط و المناسبات و بطلت عقدها و یحب علی المسلمین ارشادهم و الزامهم بترکها و لو بالمقاومه المنقیه».<sup>۵</sup> بنابراین، اگر روابط سیاسی با دیگر دولت‌ها سبب سلطه آنها یا وابستگی سیاسی دولت اسلامی شود، برقراری چنین روابطی حرام است و حتی اگر معاهده‌ای منعقد شده باشد، باطل است.</p>
قانون اساسی	<p>قانون اساسی مهم‌ترین سند گویای سیاست‌های کلان نظام، مقابله با سلطه را در اصول ۲، ۳، ۴۳، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۵۵ مورد تأکید قرار می‌دهد: نفی سبیل سلطه و سلطه‌پذیری (اصل ۲)؛ رعایت معیارهای اسلام و طرد کامل استعمار (اصل ۳)؛ نفی سلطه اقتصادی (اصل ۴۳)؛ حفظ استقلال همه‌جانبه؛ تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۱۵۲)؛ ممنوعیت سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، ارتش و دیگر شئون کشوری (اصل ۱۵۳)، حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبرین (اصل ۱۵۴)</p>

## قانون‌گرایی

واژه «قانون» معرب Canon، در اصل سریانی یا یونانی است و پس از انتقال به لغت عرب، در معنای اندازه، مقیاس اشیاء و قضیه کلی که بیانگر یک رشته جزئیات است و

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، ص ۳۳۴.

۲. قرآن کریم، منافقون / ۸. (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ).

۳. سید محمد بجنوردی، القواعد الفقہیة، تهران، بنیاد، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳.

۴. همان، ص ۳۵۲-۳۴۹.

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۸۶.



با توجه به رابطه و ساخت حقیقی و هویت نظام سیاسی با ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه امام و رهبری، می توان چهار گونه تهدید علیه ماندگاری انقلاب ذکر کرد: الف. تهدیدات نرم ارزشی - هنجاری ب. تهدیدات نرم مرکز بنیاد ج. چالش مقبولیت و کارآمدی د. تهدیدات نرم

نیز به معنای اصل هر چیز به کار رفته است. این کلمه مجازاً به معنای قاعده و دستور می باشد. قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می کند؛ به این معنی که انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی باید چنین کنند و چنین نکنند؛ بنابراین، قانون ضوابط و اصول کلی معینی است که از طرف یک منبع دارای قدرت و اعتبار اجتماعی، مقرر می شود در آن برای همه کسانی که در قلمرو آن منبع قدرت زندگی می کنند، تکالیف، حقوق و مسئولیت هایی معین گردد که همگان، قوی یا ضعیف، به رعایت آن ملزم باشند و به عواقب تخلف از آن گردن نهند.<sup>۱</sup>

قانون را مجموعه ای از قواعد الزام آور و کلی می نامند که به منظور ایجاد نظم و استقرار امنیت و عدالت و تنظیم مناسبات اجتماعی وضع شده است و ضمانت اجرای آن را نهاد و دستگاه سیاسی یک کشور تحت عنوان دولت به عهده گرفته است. یکی از ویژگی ها و خصوصیات قوانین، محدود کننده بودن و تنظیم کنندگی آنها است. در مواقعی که با تکثر قوانین در جامعه رو به رو هستیم تعارضی میان رفتارها با قوانین ایجاد می گردد؛ چرا که قوانین مانع از رفتار آزادانه و دلخواه افراد می گردد. در چنین شرایطی قوانین، افراد را به قانون گریزی سوق می دهد. به عبارت دیگر قانون گریزی نوعی جهت گیری نسبت به هنجارهای قانونی در جامعه است که منجر به کجروی از قوانین می شود. در قانون گریزی، فرد تلاش می کند از برخورد و مواجه شدن با قوانین طفره برود، در حالی که در قانون ستیزی نوعی عناد و خصومت نسبت به قوانین در افراد وجود دارد و مردم از آنجا که شرایط قانون و مقررات را مناسب نمی دانند اقدام به نادیده گرفتن و زیر پا گذاردن آنها می نمایند.

۱. رک: فرهنگ آندراج، ص ۵۱۸-۵۱۷، فرهنگ آندراج یکی از فرهنگ های زبان فارسی نوشته شده در سده نوزدهم میلادی و از کامل ترین و منظم ترین فرهنگ های زبان فارسی عصر خود است. این فرهنگ را محمد پادشاه متخلص به «شاد» فرزند غلام محیی الدین، میرمنشی مهاراجه میرزا آندگجپتی راج مننه سلطان بهادر، راجه ایالت ویجی نگر از ایالات دکن هندوستان، بر اساس چند کتاب لغت دیگر گردآوری کرده است. این کتاب به اشاره ابن راجه و به نام او (آندراج) نوشته شده است. کار تألیف کتاب در ۱۲۶۷ خورشیدی (برابر با ۱۳۰۶ قمری و ۱۸۸۸ میلادی) به پایان رسید و یک سال بعد، در سه جلد بزرگ به قطع رحلی به هزینه مهاراجه آندراج در چاپخانه نولکشور لکهنو به چاپ رسید. این فرهنگ در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در هفت جلد به کوشش محمد دبیرسیاقی در تهران منتشر شد و در ۱۳۶۳ تجدید چاپ شد. (ویکی پدیا)

ضرورت وجود قانون را باید در دو خصلت؛ ویژگی تکاثر و افزون طلبی و ویژگی حب نفس یا خویشتن دوستی انسان جست و جو کرد. این دو، هر چند در حد اعتدال زمینه ساز کمال اند، اما چنانچه حالت افراط به خود بگیرند، منشأ طغیان، انحراف، استکبار و زمینه بهره کشی بی رویه از دیگران را فراهم می آورند. برای جلوگیری از این روند نامطلوب، به لحاظ عقلی در می یابیم که باید ضابطه و قاعده و قانونی جامع، کامل و متناسب با نیاز انسان وجود داشته باشد. تأثیر نامطلوب این دو ویژگی در طول تاریخ حیات اجتماعی بشر، در پدید آوردن استثماریها و جنایات بی شماری که بر هموعان خود روا داشته، آشکار است. نقش قانون تنها در بازدارندگی خلاصه نمی شود و در رساندن به کمال و سعادت افراد تأثیر ویژه ای دارد. در پناه قانون، اجتماعی سالم پدید می آید تا با برآورده شدن منطقی نیازها، انسان سیر تعالی و صعود را طی کند، همچنان که با نبود آن، راه سقوط و انحطاط را می پیماید. بدین ترتیب احساس نیاز به قانون، به عنوان معیارهای عام برای تعیین منطقه مجاز هر کس، یک ضرورت عینی تاریخی است.<sup>۱</sup>

در کشوری که قانون حکومت نکند خصوصاً قانونی که قانون اسلام است این کشور را نمی توانیم اسلامی حساب کنیم.<sup>۲</sup> در اسلام، قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود؛ تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند.<sup>۳</sup> حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه، حکم فرمایی دارد.<sup>۴</sup> ما می خواهیم یک حکومت داشته باشیم که این حکومت قانون را ملاحظه کند حکومت قانونی باشد.<sup>۵</sup> امیدوارم مملکت ما در آینده، مملکتی باشد که قانون فقط حکم کند. هیچ کس غیر قانون حکم نکند و تمام مجری قانون باشند و کسی در حدود غیر قانونی عمل نکند و همه در حدود خودشان عمل کنند.<sup>۶</sup> کسانی که می خواهند قانون را بشکنند اینها دیکتاتورانی هستند که به صورت اسلامی پیش آمده اند یا به صورت آزادی و امثال این حرف ها.<sup>۷</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر رک: دوپایه، کلود، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، ترجمه علی محمد طباطبائی، تهران، بوذرجمهری، ۱۳۳۲.  
 ۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۶۸.  
 ۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۹.  
 ۴. روح الله خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۳۵-۳۴.  
 ۵. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۲.  
 ۶. همان، ج ۱۴، ص ۱۴۸.  
 ۷. همان، ص ۲۶۸.



مجلس شورای اسلامی: امام، مجلس شورای اسلامی را بالاترین مقام و در رأس تمام نهادها جای می‌داد و به هیچ کس حق نمی‌داد به این ارگان جسارت روا دارد: من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقامی است در این مملکت، مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن رأی را پذیرفت هیچ کس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید، من نمی‌گویم رأی خودش را نگوید، بگوید رأی خودش را بگوید، اما اگر بخواهد فساد کند، به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، این فساد است و مفسد است و یک همچو آدمی، تحت تعقیب مفسد فی الارض، باید قرار بگیرد.<sup>۱</sup>

اجرای قانون اساسی به تمام و کمال و با قاطعیت، از جمله مواردی است که علاوه بر حفظ وحدت ملی و حفظ مردم در صحنه، می‌تواند ماندگاری انقلاب اسلامی را با الگویی به عدالت و ضابطه‌مندی امور تضمین و راه نفوذ را سد کند. چنانکه رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

قانون اساسی ما یک قانون مترقی، بسیار مستحکم و بسیار هوشمندانه نوشته شده است و بر اساس این قانون، همه چیز در جای خود قرار دارد و قرار گرفته است. توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانون گذاری، به همه مراکز قانونی، به همه آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع ورزی خود ادامه دهد. قانون باید رعایت شود، قانون راه نفوذ دشمن را هم بسته است.<sup>۲</sup>

### پیامدهای قانون گرایی

**الف. نظم:** اولین برآیند قانون، «نظم» است و قانون، مساوی با نظم‌مداری است. در امور طبیعی و کشفیات علمی، هنگامی که از قانون نام برده می‌شود، معمولاً اشاره‌ای به یک نظم مستمر و حقیقی است که تکویناً وجود دارد و تنها کشف و فهم آن به دست آدمی میسر شده است، اما در مورد قوانین حقوقی در میان انسان‌ها، موضوع بر عکس است؛ یعنی وجود نوعی بی‌نظمی و اختلاف، انگیزه قانون گذاری است و پس از قانون گذاری و اجرای آن، نظم پدید می‌آید. اضطراب، اغتشاش و تجاوز به حقوق دیگران، نتیجه طبیعی فقدان قانون است، رشد اجتماعی افراد یک جامعه را می‌توان بر

۱. همان، ص ۲۹۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۵/۸.



رهبر معظم انقلاب: امروز دین مسلمانان به وسیله تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی‌ایمانی و بی‌بند و باری در میان جوامع اسلامی... در خطر است... امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیل رجال خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند

اساس شاخص رفتارهای قاعده‌مند و منطبق بر قانون سنجید. رشد یافته‌ترین جوامع، قانون‌مدارترین آنهاست. نقش حاکمیت قانون در نظم‌بخشی به جامعه به قدری بدیهی است که کسی در اهمیت و ارزش آن به طور کلی، تردید نمی‌کند. قرآن کریم، یکی از علل بعثت انبیاء را رفع اختلاف و ایجاد نظم ذکر می‌فرماید:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا.<sup>۱</sup>

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سیستم دین‌پایه و ارزش‌بنیاد قوانینش تابع قوانین وحیانی و الهی است. تمکین یا عدم تمکین و ساری و جاری شدن قوانین در رفتار و کارکرد مردم و مدیران اول و آخر در ماندگاری یا زوال حکومت است، چرا که قوانین الهی به جای پریشانی‌ها، آرامش و به جای بی‌نظمی‌ها، نظم و به جای توحش و خونریزی‌ها، الفت و برادری را به ارمغان آورد. این کارکرد دین در هر زمانی قابل تکرار است؛ هر جامعه‌ای بخواهد بر اساس قواعد و ضوابط دین راه سعادت را بیوید، در هر زمان و مکانی امکان‌پذیر، و بلکه یگانه راه است. مجموعه دستورات الهی غیر قابل تفکیک از یکدیگرند. پشت سرانداختن «حدودالله»<sup>۲</sup> بر هم زدن نظم ایجادشده را در پی دارد.

ب. عدل: برآیند دیگر حاکمیت قانون، «عدل» است. با طرح واژه قانون، خود به خود، عدل و دادگری از آن انتظار می‌رود؛ یعنی همه می‌خواهند قانون، عدالت را برقرار کند؛ چنان که هر نظامی، ولو غیر منصفانه بهتر از بی‌نظمی است، اما نام قانون معمولاً انتظار نوعی نظم همراه با عدل را در آدمی به وجود می‌آورد. از این رو، واژه عدل، با ارزش و قداست همراه است. قانون معمولاً مانند ناظر بی‌طرف است که انتظار می‌رود بر اساس عدل به تعیین حقوق افراد بپردازد و در این زمینه چنان عمل کند که عقل سلیم و وجدان اخلاقی انسان کاملاً آن را بپذیرد.

عدالانه بودن قانون در هنگام قضاوت میان طرفین دعوا بهتر روشن می‌شود. معمولاً

۱. قرآن کریم، بقره/ ۲۱۳.

۲. همان، بقره/ ۲۳۰-۲۲۹.



اگر هر سیاست و اقدامی از جهت گیری الهی خارج شود، در نهایت به استکبار و نفسانیت ختم می شود که این موضوع، نوعی تهدید نرم برای نظام سیاسی اسلامی به وجود می آورد

کسی که حقی از او تلف شده، به حمایت قانون پشت گرم است، اما چگونه یک قانون می تواند عادلانه باشد؟ لازمه عادلانه بودن قانون در زمان تأسیس، آن است که قانونگذار نیاز و کمبودی نداشته باشد تا با وضع آن، تأمین نیاز خود را مدنظر بیاورد. قانون گذاران بشری چنین اند که اگر در زمان وضع و تأسیس، بدانند چه گرایش ها، یا کسانی از رهگذر آن سود یا زیان خواهند دید، این امر،

سلامت قانون و عادلانه بودن آن را مخدوش می سازد. تغییر قانون نیز نباید تابع جابجایی جناح ها و شخصیت ها باشد. ثبات، کلیت و دوام، لازمه قوانین عادلانه و مطلوب اند. عادلانه بودن قانون در مقام اجرا، یکنواخت بودن و رنگ ناپذیری است. در واقع باید بر سر «چگونه» عمل کردن به قانون بحث کرد، نه بر سر این که «چه کسی» آن را اعمال می کند.

بنابراین، تأکید بر حاکمیت قانون، تأکید بر گسترش هر چه بیشتر نظم و عدل است. ضرورت و مطلوبیت عدل برای امنیت و آرامش، انگیزه و علت اصلی قانون گستری است. عمومیت نداشتن و استثناپذیری قانون آفتی است که خاصیت نظم بخشی و عدل گستری قانون را کاهش می دهد. همچنین قرآن کریم هدف از برانگیختن پیامبران و ارسال کتب را «اقامه قسط» می داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup>

### تهدیدات هویتی انقلاب

هر جامعه و نظامی، تهدیدات خاص خود را دارد؛ چنان که منابع قدرت و نحوه فعال سازی آنها نزد بازیگران مختلف، یکسان نیست. به عبارت دیگر، هر واحد سیاسی به اقتضای ویژگی ها، شرایط، امکانات و اهدافی که دارد، دارای فرصت ها و تهدیداتی است که نسبت به همان واحد معنا و مفهوم می یابند. نظام سیاسی ارایه شده از سوی امام (ره) و مقام معظم رهبری، در مقام اجرا، با دو گونه از تهدید و چالش رو به روست.

دسته نخست؛ تهدیداتی هستند که کارآمدی و اثربخشی این نظام را هدف قرار داده اند و به نوعی سعی دارند توانمندی آن را مخدوش و زایل کنند. می توان اقدام دشمنان در ترور شخصیت های کلیدی و محوری نظام در دهه های ابتدایی انقلاب و اختلال در شبکه



روابط سازنده بین ساخت‌ها و نهادها را در راستای تأثیرگذاری بر کارآمدی نظام تفسیر نمود. امام (ره) و مقام معظم رهبری از این گونه تهدیدات، تحت عنوان شیطنت، شرارت و اقدامات غیر عقلانی تعبیر کرده‌اند که بیانگر ارزش کمتر آنها در قیاس با دسته دوم تهدیدات و حکایت از جنبه نرم تهدید دارد: «یکی از مسائلی که اینها به شدت دنبالش هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است... همه [حرف‌هایشان] در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد مردم است.»<sup>۱</sup>

دسته دوم؛ تهدیداتی هستند که اعتبار و هویت حقیقی نظام سیاسی را هدف قرار داده‌اند و در نتیجه، شاهد بی‌توجهی افراد به اصول و قواعد اصلی این نهادها یا عدم التزام به قواعد ارتباطی حاکم بر آنها و در نهایت، ضعف ارتباط عقلانی - عاطفی مبتنی بر پذیرش و دوست داشتن آنها هستیم. در کلام امام و رهبری، از چنین تهدیداتی که تعبیر به آسیب، نقیصه، آفت، بلیه و... می‌شود، می‌توان به «تهدید نرم» تعبیر نمود. اقداماتی که می‌توان در آنها، تهدید را بیشتر معطوف به انسان دینی و تربیت دینی وی یافت. امری که تضعیف یا زوال آن، سبب مواجهه اصل و اساس سیاست اسلامی با مخاطره خواهد شد:

آنها [امریکا] در آن دوره ده‌ساله اول، با توطئه براندازی سخت (جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی) شروع کردند، اما نتوانستند کاری بکنند... در دوره بعد، براندازی نرم را دنبال کردند.<sup>۲</sup>

«در جنگ روانی، دشمن به دنبال انهدام سنگرهای معنوی است.»<sup>۳</sup> با توجه به رابطه و ساخت حقیقی و هویت نظام سیاسی با ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه امام و رهبری، می‌توان چهار گونه تهدید علیه ماندگاری انقلاب ذکر کرد.

### الف. تهدیدات نرم ارزشی - هنجاری

از آنجا که در جامعه اسلامی، ارزش‌های دینی به عنوان راهنما و دستورالعمل اصلی اندیشه و عمل سیاسی مطرح هستند، بروز هر گونه آسیب در این حوزه، می‌تواند به فساد ساختار نظام حاکم منتهی شود. در این حالت، اگر چه کالبد و صورت نظام سیاسی خوب به نظر می‌رسد، اما نظام از درون دچار فروپاشی می‌شود:

۱. سید علی خامنه‌ای، از تهاجم فرهنگی تا جنگ فرهنگی، به اهتمام مجتبی احمدی و همکاران، تهران، سازمان بسیج، معاونت فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۸، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۲۱.

این شبیخون فرهنگی است که انسان در بخش‌های مختلف، علائم آن را می‌بیند. به این نیت است که، با این قصد است که انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود، تهی کند و جدا کند.<sup>۱</sup>

این دسته از تهدیدات نرم، متوجه ایده نظام سیاسی هستند که عبارت‌اند از:

### ۱. جهت‌گیری غیر توحیدی

اگر هر سیاست و اقدامی از جهت‌گیری الهی خارج شود، در نهایت به استکبار و نفسانیت ختم می‌شود که این موضوع، نوعی تهدید نرم برای نظام سیاسی اسلامی به وجود می‌آورد. بدیهی است که در صورت ابتلای نظام اسلامی به این تهدید و به تبع آن، بروز هر گونه سستی و ضعف در ایمان مردم به مبانی و اصول اسلامی، می‌تواند به معنای فروپاشی از درون و تهدید بسیار خطرناکی باشد:

امروز دین مسلمانان به وسیله‌ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی‌ایمانی و بی‌بند و باری در میان جوامع اسلامی... در خطر است... امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیل رجال خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند.<sup>۲</sup>

در جنگ روانی، دشمن به دنبال انهدام سنگرهای معنوی است.<sup>۳</sup> به همین دلیل، دشمن تلاش می‌کند با ایجاد یأس و ناامیدی، به نوعی این کانون مهم قدرت نرم را در جمهوری اسلامی ایران غیر فعال نماید:

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند... و از مبارزه ناامید کند. آن آقای که... می‌نویسد ملت ایران خسر الدنیا و الآخره شده‌اند... چرا؟ چون با امریکا جنگیدند، مقصودش ناامیدسازی است...<sup>۴</sup>

نتیجه چنین تفکری، شعار «نه غزه، نه لبنان» و تزلزل در اقداماتی است که روحیه شهادت‌طلبی نیازمند است.

۱. همان، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. بیانات رهبر انقلاب در موضوع آزاداندیشی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، بسیج دانشجویی دانشگاه، ۱۳۹۰.

ص ۲ و ۲۱.

۴. همان، ص ۹۲.

## ۲. ضعف در ولایت پذیری

«ولایت» در گفتمان اسلامی به مثابه عامل اجتماع و تجمیع توانایی‌ها شناسانده می‌شود. به همین سبب، بروز هر گونه آسیب یا ضعف در ولایت یا ولایت‌مداری، می‌تواند به تضعیف قدرت از درون منجر شود که خاستگاه بسیاری از تهدیدات نرم است:

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، پاسداری از ارزش‌هاست که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله ولایت فقیه روشن کردند... ولایت فقیه جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است.<sup>۱</sup>

رابطه محبت‌آمیز رهبر و ملت، در میدان‌های مختلف گره‌گشا و بازکننده راه‌هاست. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه اصل مفهوم رهبری فقیه، ولایت فقیه و حاکمیت دین شناسان است... دشمن برای مبارزه با انقلاب، رهبری را هدف گرفته است.<sup>۲</sup>

طرح مسائلی در خصوص مفهوم، ساختار و مصداق ولایت در این روزها از سوی برخی افراد منسوب به انقلاب از مسئله‌های مهم و قابل تأمل و دقت است که استمرار آن می‌تواند زمینه تغییر در مؤلفه‌های بنیادین نظام جمهوری اسلامی و ساخت حقیقی و حقوقی آن را فراهم کند.

## ۳. غرب‌زدگی و شرق‌زدگی

تمایل به ایدئولوژی‌های شرقی و غربی، چه به جایگزینی ایدئولوژی رقیب به جای اسلام و چه به بازخوانی اسلام در قالب ایدئولوژی‌های مزبور منجر شود، در هر حال، تهدید هویتی برای نظام دینی و ولایی به شمار می‌آید که در نهایت، هویت حقیقی آن را هدف قرار داده و از این طریق، به زوال نظام سیاسی از درون دامن می‌زند:

تا این غرب‌زدگی و شرق‌زدگی در مملکت ما هست، هیچ‌امیدی به اصلاح نیست. ما باید اول تمام همت‌مان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم... چه فرهنگ آن طرف که همه‌اش فساد و چه فرهنگ این طرف که همه‌اش فساد است. یعنی همه‌اش برای به دام انداختن ماهاست. برای به دام انداختن بشر است.<sup>۳</sup>

دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه مبتنی بر اراده و فرهنگ دیگران،

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۸۸.

۲. بیانات رهبر انقلاب در موضوع آزاداندیشی، همان، ص ۱۷، ۲۱ و ۹۲.

۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۵۱۶.



نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد... دشمن در تلاش است دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه انقلابی منحرف کند.<sup>۱</sup>

#### ۴. تصلب ایدئولوژی سیاسی

تلقى امام و رهبری از فقه به عنوان متولی تدبیر شئون حیات انسان از ابتدا تا انتهاست. لذا کارویژه فقه اسلامی بیش از یک ایدئولوژی ساده است و می‌توان از آن به موتور محرکه نظام سیاسی تعبیر کرد: «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.»<sup>۲</sup> بدیهی است که فقه در چنین جایگاهی، باید با مکانیسم اجتهاد و دو عنصر زمان و مکان، بتواند رسالت سیاسی و پویایی خویش را تداوم بخشد؛ در غیر این صورت، تصلب فقهی و آسیب‌پذیری اجتهاد می‌تواند زمینه انسداد سیاسی را فراهم کند و در نهایت، نظام فکری از دریافت، تحلیل و اداره امور متحول جامعه باز می‌ماند.

#### ۵. ملی‌گرایی منفی یا سلبی

ملی‌گرایی افراطی با اعتباربخشی به معیارهای هویتی چون زبان، نژاد، تاریخ و... موجب بروز گسست در میان امت اسلامی و فعال‌سازی اجزای آن برای جدا شدن از این پیکره و تبدیل شدن به واحدهایی مستقل می‌شود. آسیب ناشی از ملی‌گرایی افراطی، بروز تعارض و شیوع جنگ است. این در حالی است که اسلام منادی وحدت امت واحده است و ملاحظات جغرافیایی را در حد «حب‌الوطن» تأیید می‌کند:

در اسلام آمده است که همه نژادها باهم‌اند. مثل دندان‌های شانه می‌مانند. هیچ کدام نفوذ ندارند. نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه ترک بر هیچ‌کدام از اینها و نه هیچ نژادی بر دیگری... ما کراراً عرض کردیم... که اسلام این‌طور مرزهایی که در سایر مسلک‌ها هست، ندارد.<sup>۳</sup>

#### ب. تهدیدات نرم مرکزبنیاد

منظور از تهدیدات مرکزبنیاد، بروز آن دسته از آسیب‌ها در ساخت حقیقی است که در نهادهای ساخت حقوقی به وجود می‌آید و می‌تواند به تحریف و انحراف نظام سیاسی منتهی شود. «انحراف» نقطه مقابل «سلامت» نظام سیاسی است. زاویه گرفتن نهادها و سازمان‌های مستقر، از آرمان‌ها و ارزش‌ها یا شکل‌گیری فساد گسترده در نهادهای حاکمیتی، از جمله این تهدیدات به شمار می‌رود.

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸/۷/۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۱.

## ج. چالش مقبولیت و کارآمدی

تمایل به ایدئولوژی‌های شرقی و غربی، چه به جایگزینی ایدئولوژی رقیب به جای اسلام و چه به بازخوانی اسلام در قالب ایدئولوژی‌های مزبور منجر شود، در هر حال، تهدید هویتی برای نظام دینی و ولایی به شمار می‌آید که در نهایت، هویت حقیقی آن را هدف قرار داده و از این طریق، به زوال نظام سیاسی از درون دامن می‌زند

نظام سیاسی اسلامی، به دلیل ابتنا بر جریان ولایت فقیه، ساز و کاری مؤثر برای صیانت از سلامت نظام دارد؛ با وجود این، هم‌زمان به ابعاد و ملاحظات عملیاتی نظام نیز توجه شده و «کارآمدی» در پاسخ‌گویی به نیازهای جاری نیز جزء عناصر سازنده فلسفه دولت اسلامی تعریف شده است. بر این اساس، شاخص اصلی تهدیدات نرم حکومتی، «کارآمدی نظام» سیاسی است که بخش اصلی راهبردهای دشمن

در مواجهه با نظام اسلامی بر این هدف متمرکز است تا نظام اسلامی مبتنی بر دین و مقوم بر مدیریت ولایت فقیه را ناکارآمد نشان دهد و زمینه سلب اعتماد عمومی و تنزل مشروعیت و مقبولیت آن در میان جامعه و افکار عمومی را زایل گرداند.

### ۱. بی‌عدالتی و تنزل مقبولیت

عدم رضایت مردم و بی‌عدالتی، از آن حیث که به فرسایش روابط اجتماعی و از بین رفتن سرمایه اجتماعی در داخل جامعه منتهی می‌شود، تهدیدی مهلک برای انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. پایه این تهدید نرم، «پشتوانه مردمی قدرت» است و اینکه عدم رضایت و بی‌عدالتی قدرت‌ها را از نعمت حمایت مردمی محروم می‌کند. از این منظر، امام و رهبری با تأکید بر شعار راهبردی «لا تظلمون و لا تظلمون» از عدالت به مثابه اصل محوری و هدایت‌گر قدرت یاد می‌کنند. به همین دلیل، امام و رهبری هر اقدامی را که رضایت‌مندی مردم را کاهش می‌دهد، نوعی آسیب برای کشور و نظام می‌دانند:

به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران برای چندمین بار سفارش می‌کنم و این نصیحت و سفارش من همیشگی است که... در شرایط کنونی و آینده‌های دور... از بهانه‌جویی و سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی و کاغذبازی که مانع رشد... ملت دلاور اسلام است، خودداری ورزند.<sup>۱</sup>

یکی از مسائلی که این‌ها به شدت دنبالش هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است... همه [حرف‌هایشان] در جهت همین تصویرسازی

۱. همان، ج ۲۰، ص ۳۹.



منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد مردم است.<sup>۱</sup>

## ۲. استقلال و عزت ملی

اگرچه مدیریت نیازهای ملی در جهان معاصر مبتنی بر تعامل و همکاری است، اما آنچه در این همکاری‌ها نباید نادیده انگاشته شود، اصل «استقلال» است. بدین معنا که همکاری‌ها و رابطه نباید به معنای هزینه کرد استقلال ملی و وابسته کردن کشور در عرصه‌های مختلف باشند:

من مطمئنم که ملت عزیز ایران، یک لحظه عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان، معاوضه نمی‌کند.<sup>۲</sup> وابستگی در اندیشه امام و رهبری، صرفاً دارای صبغه اقتصادی نیست و افزون بر آن، ساحت‌های معرفتی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی را شامل می‌شود. یکی از مصادیق این وابستگی غیر اقتصادی، خودکم‌بینی و عدم تحرک است که تولید ضعف می‌نماید و زمینه تسلط و پیروزی دشمنان را فراهم می‌کند:

اینها در طول سال‌های متمادی، به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی، باید دنباله‌رو و غرب باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم.<sup>۳</sup>

اگر ملتی برای خودش تحرکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان می‌توانند بیایند و برایش نقشه بکشند.<sup>۴</sup>

## ۳. اشرافیت و مصرف‌گرایی منفی

قدرت در اندیشه سیاسی اسلام، از جنس «مسئولیت» است و نه «بهره‌مندی». بنابراین صاحبان قدرت بیشتر «وظیفه» دارند تا «منافع». از این منظر، امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقام آسیب‌شناسی نظام سیاسی، تجمل‌گرایی، راحت‌طلبی و خروج از اصل ساده‌زیستی را نوعی تهدید نرم برای آینده انقلاب اسلامی می‌دانند که می‌تواند بدون خون‌ریزی و جنگ، به هلاکت آن منجر شود؛ چرا که راحت‌طلبی و تلاش برای جمع‌آوری ثروت، غفلت از برخی از قشرهای جامعه را به همراه دارد که سبب بی‌اعتباری نظام سیاسی از ساحت دینی شده و همچنین نظام، خیل

۱. سید علی خامنه‌ای، همان، ص ۹۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در موضوع آزاداندیشی، همان، ص ۲۶.

۴. همان، ص ۱۵.



عظیم حامیان اصلی خویش را، در مواقع حساس و خطیر، از دست می‌دهد:<sup>۱</sup>  
 روش اسراف‌آمیز و تجمل‌آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. بقیه نگاه  
 می‌کنند و یاد می‌گیرند...<sup>۲</sup>  
 خدا نیارد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما  
 پشت کردن به دفاع از محرومین... باشد؛ آن روزی که دولت ما توجه به  
 کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم.<sup>۳</sup>

## د. تهدیدات نرم

### ۱. عرفی‌گرایی و سکولاریسم

سکولاریسم با وجود قرائت‌های مختلفی که از آن وجود دارد، در ساحت معرفتی امام  
 و رهبری، به معنای گرایش و اقبال ساخت پیرامونی بر استقلال از ساخت مرکزی است.  
 این گرایش ممکن است با توجیهات مختلفی همراه شود؛ از جمله اصل تخصص‌گرایی  
 که بر انفکاک موضوعی دین از سایر حوزه‌های متعارف مثل اقتصاد یا سیاست تأکید  
 دارد؛ یا مقوله نظم‌سازمانی که بر تفکیک کارویژه ساخت ولایت از سایر ساخت‌ها نظر  
 دارد؛ یا موضوع تغییر و تحول اجتماعی که از شکل‌گیری جوامع مدرنی حمایت می‌کند  
 که نمی‌توانند نظارت عالی‌نهادهای دینی را در حوزه‌های خاص بپذیرند.

نتیجه چنین تفکری این خواهد بود که ساخت مرکزی ولایت می‌تواند نقشی تشریفاتی  
 و صوری در نسبت با ساخت پیرامونی داشته باشد. به عبارت دیگر، این نظریه‌ها به این  
 نتیجه می‌رسند که ساخت مرکزی را می‌توان حفظ کرد و نگاه داشت؛ مشروط بر آنکه  
 حیطه اختیاراتش محدود و در حکم مقام تشریفاتی باشد که از حضور مؤثر در نحوه تدبیر  
 و اداره امور تخصصی ساخت پیرامونی دور است. در نگاه امام(ره) و رهبری، چنین الگوی  
 رفتاری، تحقق سکولاریسم است:<sup>۴</sup>

ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً  
 نصیحت‌کننده است؛ آن طور که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند  
 و ترویج می‌کردند [و] نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت [را]  
 دارد... پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۲۵.

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۶.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۳۸۸.



وابستگی در اندیشه امام و رهبری، صرفاً دارای صبغه اقتصادی نیست و افزون بر آن، ساحت‌های معرفتی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی را شامل می‌شود. یکی از مصادیق این وابستگی غیر اقتصادی، خودکم‌بینی و عدم تحرک است که تولید ضعف می‌نماید و زمینه تسلط و پیروزی دشمنان را فراهم می‌کند

و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است.<sup>۱</sup>

دشمن می‌خواهد با تبلیغات، روحانیت را از چشم مردم بیندازد... امروز بسیاری از همت و برنامه‌ریزی استکبار جهانی صرف این می‌شود که ببینند چگونه می‌تواند طلاب، فضلا و علمارا از راه راست انقلاب منحرف کند.<sup>۲</sup>

## ۲. تحجر و مقدس‌مآبی

مبنای این گروه آن است که اسلام آن قدر پاک و مقدس است که نباید در عرصه سیاست عملی ورود یابد و فقط با حضور حضرت حجت (عج) می‌توان در این حوزه حضور داشت و اقدام کرد. حضرت امام (ره) در واکنش به تهدید چنین تفکر و متفکرانی بیان داشته‌اند:

آن ضرری که از این آخوندهای درباری اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می‌خورد؛ برای اینکه این‌ها با یک ظاهر اسلامی، اسلام را منزوی می‌کنند و آن‌ها [امریکا] با این ظاهر نمی‌توانند کاری بکنند.<sup>۳</sup>

امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند.<sup>۴</sup>

## نتایج پایبندی به شاخصه‌های هویت انقلاب

۱. پایبندی به مردم‌سالاری دینی و مسئله حضور حداکثری در جهت تحقق نظام و ثمرات عالی برای حفظ نظام.

۲. حفظ پشتوانه مردمی به عنوان عامل تعیین‌کننده مقبولیت نظام اسلامی باعث فراهم کردن موجبات بیمه شدن کشور در مقابل حوادث گوناگون داخلی و خارجی می‌شود.

۳. حفظ وحدت، استقلال و خصلت مردم‌سالاری نظام باعث اقتدار نظام اسلامی و

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۳/۱۳۸۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در موضوع آزاداندیشی، همان، ص ۲۳-۲۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۳.

۴. همان، ص ۲۶۹.



افزایش عزت ملی در مجامع بین‌المللی (در میان دوستان و دشمنان) می‌شود.  
۴. تکیه به شاخصه هویت انقلابی، وحدت، عقبه مردمی، استکبارستیزی و... سازنده فرهنگ سیاسی ملی است که نتیجه آن مقاومت و مرعوب نشدن دولت در مقابل تهدیدهای دشمن است.

۵. وحدت و حمایت مردم از نظام اسلامی و همچنین تقید و تعهد مدیران به شاخصه‌های هویتی انقلاب، سد نفوذ در مقابل راهبردهای دشمن محسوب می‌شود که نتیجه آن شکست توطئه‌های تبلیغی و روانی دشمن در نامقبول نمایاندن نظام نزد مردم است.  
۶. زنده کردن فضای زندگی، پیشرفت و رفاه و تعالی کشور در نیل به اهداف عالی و بسترسازی ظهور حجت حق.

۷. اصلاح اعتقادات و تهذیب انسان: کلام صریح حضرت امام (ره) این است که اسلام به قانون نظر آلی دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. از منظر وی، قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه، به منظور پرورش انسان مذهب است.<sup>۱</sup>

۸. برقراری نظم و امنیت و عمل به قانون جلو هر گونه اختلاف و بی‌نظمی را گرفته و جامعه را به سمت اهداف تعیین شده سوق می‌دهد. بنابر دیدگاه امام خمینی (ره)، «اگر همه اشخاص و همه گروه‌ها و همه نهادهایی که در سراسر کشور هستند، به قانون خاضع بشوند و قانون را محترم بشمارند، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد، اختلاف از راه قانون شکنی‌ها پیش می‌آید.»<sup>۲</sup>

۹. جلوگیری از بروز و ظهور و قدرت‌یابی دیدگاه‌های تحریف‌شده در فرآیند مدیریت سیاسی کشور و در تعاملات مربوط به روابط بین‌الملل.

۱۰. تحقق عدالت فردی و جمعی و جلوگیری از تنزل جایگاه و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در میان افکار عمومی.

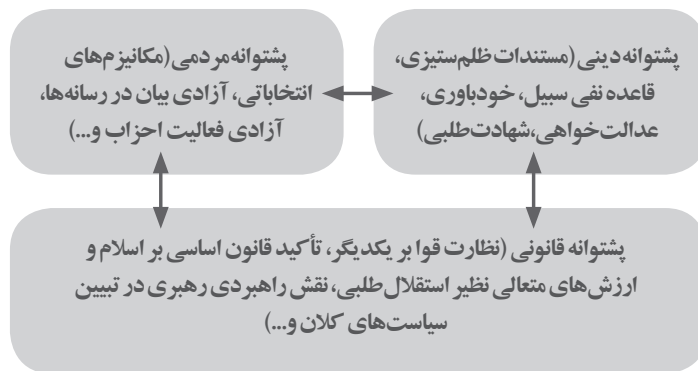
۱۱. ایجاد بازدارندگی و سد نفوذ در مقابل راهبردهای نرم دشمن برای نفوذ و سلطه بر فضای داخلی و منطقه‌ای.

۱۲. خنثی شدن تلاش‌های دشمن برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های منفی و فعال‌سازی گسل‌های موجود در جامعه و هدایت سطوح سه‌گانه مردم، نخبگان و مدیران به سمت دوقطبی شدن در نقش‌آفرین‌های سیاسی و اجتماعی.

۱. جمعی از محققین، دانشنامه امام خمینی، قم، بی‌تا، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۵۷۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۱۳. هویت انقلاب اسلامی از پشتوانه سه‌گانه مردم، قانون و دین برخوردار است. این سرمایه اجتماعی و قانونی می‌تواند در تثبیت، توسعه و دوام نظام اسلامی در پیاده‌سازی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هویتی مانند: استقلال طلبی، استکبارستیزی و... دستگیر و یاور مدیران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران باشد. بر همین اساس با توجه به ظرفیت‌های در اختیار انقلاب اسلامی، می‌توان با تکیه به داشته‌های مادی و معنوی و ظرفیت درایت و هوشمندی موجود در سطوح سه‌گانه مردم، نخبگان و مدیران، ماندگاری نظام اسلامی را در شرایط سیال و فاقد آرایش جهانی تضمین کرد و نیز می‌توان از پشتوانه دینی، مردمی و قانونی موجود در کشور در تضمین ماندگاری فلسفه وجودی و ساخت حقیقی و هویت نظام اسلامی به عنوان عواملی قوی بهره گرفت.



بنابراین می‌توان مدعی شد که ساختار جمهوری اسلامی به طور سیستماتیک امکان انحراف از ارزش‌ها و شاخصه‌های هویتی مانند: استقلال طلبی، سلطه‌ستیزی و... را سلب کرده است. اما این تضمین تازمانی است که در فرآیند پیاده‌سازی به مَر و نص قانون و اسناد بالادستی عمل شود.